

# «فدرالیسم» در اتیوپی

## ادعا یا واقعیت؟

ترجمه و تلخیص: ناصر ایرانیپور

نگارش: نادیا فون باسویتس و هارتموت هس

### توضیح مترجم:

امروزه تعدادی از کشورهای جهان نظام سیاسی خود را «فدرال» می‌نامند که شماری از آنها چون سوئیس، بلژیک، آلمان، اتریش، کانادا، آمریکا، استرالیا، ژاپن، ... جزو کشورهای پیشرفته و دمکراتیک و دسته‌ای نیز چون امارات متحده عربی، اتیوپی، ... فاقد ساختارهای دمکراتیک می‌باشند. معارضان ایرانی فدرالیسم برای رد این نظام غالباً به گروه دوم اشاره می‌کنند و بخشاً ابراز می‌دارند که «فدرالیسم اصولاً ربطی به دمکراسی ندارد». در اینجا این پرسش را بی‌پاسخ می‌گذاریم که چرا آنها علی‌الاصول با این سیستم سیاسی مخالفت می‌ورزند، چنانچه آنرا فی‌المنفاه «بی‌ربط به دمکراسی» می‌پندارند، چه که این ارتباط منطقی نمی‌تواند یک سو به سو به باشد؛ به این معنی که این نظام طبق چنین استدلالی نه می‌تواند فی‌المنفاه دمکراتیک باشد، و نه به خودی خود غیردمکراتیک. در اینجا بر مبنای نمونه «فدرالیسم» در اتیوپی تنها به این پرسش پرداخته می‌شود که: آیا این کشورهای مدعیاً فدرال (و دمکراتیک) اساساً فدرالیستی هستند؟ اصولاً شاخصهای فدرالیسم، یا به تعبیری دیگر معیار فدرال بودن چیست؟ نظام سیاسی چه مختصاتی باید داشته باشد که فدرالیستی نامیده شود؟ آیا صرف نام و عنوانی که این دولت‌ها برای خود برگزیده‌اند را می‌توان معیار سنجش قرار داد؟ آیا کم هستند کشورهایی که خود را «دمکراتیک» می‌نامند، درحالیکه بویی هم از دمکراسی نبرده‌اند؟ آیا در مورد این کشورها می‌توان منطقی استنتاج نمود که دمکراسی نیز نظام ایده‌آل و قابل دفاع نیست؟ اتفاقاً عنوان رسمی اتیوپی «جمهوری فدرال دمکراتیک اتیوپی»<sup>۱</sup> می‌باشد. بر طبق استدلال مخالفان فدرالیسم باید دمکراسی را هم زیر سوال برد، چون این کشور خود را دمکراتیک نیز می‌نامد، درحالیکه در آن خبر چندانی از دمکراسی نیست. واقعیت امر این است که این کشور ۷۰ میلیون و با مساحت یک میلیون و یک صد هزار کیلومتر مربع در شاخ آفریقا با «فدرالیسم» به اصطلاح «قومی»<sup>۲</sup> اش نه معضل ملیتهای این کشور را حل کرده، نه باعث تقویت دمکراسی گردیده است و نه اساساً فدرالیسمی می‌باشد. نویسنده مقاله تلخیص شده حاضر نظام سیاسی اتیوپی را «pseudofederal» (فدرال نما یا شکل تصنعی و مستعجل فدرالیسم) می‌نامد، چرا که در آن، همانطور که ذیلاً خواهیم دید، مختصات یک نظام فدرال که عبارت از عدم تمرکز در قدرت سیاسی، مشارکت ملیتها و مناطق مختلف در تصمیم‌گیریهای سیاسی دولت مرکزی و به ویژه در پروسه قانونگذاری آن و ضرورت برخورداری این مناطق از حق و تو در مرکز و از خودمختاری وسیع در مناطق خود و همچنین یک مرجع داوری بی‌طرف می‌باشد، یافت نمی‌شود.

بسیجی که برای تعیین سرنوشت ملی خلقهای اتیوپی صورت گرفت، پیروزی «جبهه دمکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» در سال ۱۹۹۱ در جنگ داخلی بر علیه دیکتاتوری نظامی را به دنبال داشت. سه سال بعد در قانون اساسی جدید اتیوپی حق تعیین سرنوشت ملل، ملیتها و خلقهای این کشور گنجانده شد و تقسیمات کشوری بر اساس داده‌های قومی و زبانی نو گردید. اکنون ده سال پس از اعتبار قانونی یافتن این قانون این سوال مطرح است که آیا «فدرالیسم اتیویایی» قادر گشته حق تعیین سرنوشت خلقها و ملت‌سازی را به هم پیوند دهد و یا اینکه باعث بالکانی شدن این فاکتور ثبات در شاخ آفریقا شده است.

جامعه اتیوپی با بیش از ۸۰ گروه قومی، بین ۷۰ الی ۱۰۰ زبان و سه دین از چندپارچگی بزرگی برخوردار است. کشور اتیوپی پس از سرنوشتی امپراطوری پادشاهی تمرکزگرا و دیکتاتوری به همین شیوه متمرکز و واحد، در سال ۱۹۹۴ به یک جمهوری فدرال دمکراتیک تبدیل گردید، تا پاسخی درخور به این تنوع و گونه‌گونی داده باشد. اتیوپی فدرال امروزه به نه دولت منطقه‌ای تقسیم‌بندی شده است که عبارتند از: افار، آموهارا، بنیشانگول - گوموز (ب/گ)، گامبلا، هرا، اورومیا، سومالی، دولت اقلیمی ملیتها و مردم و ملت‌های جنوب (= اس.ان.ان.پی.آر.اس) و تیگرای.<sup>۳</sup> دو واحد دیگر، یعنی آدیس‌آبای پایتخت و شهر واقع شده در شرق بین سومالی و اورومیا به نام دیر داوا تحت مسئولیت مستقیم مرکز می‌باشند.

مهمترین مختصه نظام فدرال اتیوپی کشیدن مرز بین ایالتها به موجب ماده ۴۶ قانون اساسی بر اساس داده‌های قومی چون زبان و هویت فرهنگی می‌باشد. «برکت سیمون»، وزیر اطلاعات اتیوپی، پایه‌ریزی به اصطلاح «فدرالیسم قومی» در این کشور را چنین مدلل می‌سازد: «ما همواره برای حق تعیین سرنوشت خلقها مبارزه کرده‌ایم. لذا هنگام تبدیل این کشور به نظام فدرال راه دیگری جز تقسیم‌بندی کشور به ایالتها تعریف شده بر اساس قومیت نداشتیم.»

اکنون بیش از ۱۰ سال پس از اجرای قانون اساسی ۱۹۹۴ این سوال مطرح است که آیا «فدرالیسم» نوع اتیویایی مدلی درست برای پاسخ به گرایشات تمرکززدایانه کشور چند ملیتی می‌باشد.

## اصل قومیت

یکی از اصول مهم قانون اساسی ۱۹۹۴ اتیوپی اصل قومیت می‌باشد. لذا تعریف این مفهوم ناروشن اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

تعدادی از انسانها به عنوان «قوم» قلمداد می‌گردند که خود را به دلیل ویژگیهای مشترک فرهنگی چون یک اجتماع مشترک می‌بینند و این اجتماع مشترک از سوی اجتماعات دیگر نیز چنین مشاهده می‌شود.<sup>۴</sup> «قومیت» (یا «هویت قومی») به درک و هوشیاری انسانها در خصوص تعلق به یک قوم گفته می‌شود و یا اجتماعات دیگر به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، برای آنها هویت مجزا و مستقلی قائل هستند.<sup>۵</sup> در ادبیات تخصصی مربوطه عمده‌تاً دو دیدگاه در این مورد که چه ملاک‌هایی برای تعلق داشتن به قومی تعیین‌کننده می‌باشند، یافت می‌شود.<sup>۶</sup> بر طبق نظر «پریمودیالیستها» [...] معیارهای عینی چون زبان، سرزمین، تاریخ و نژاد برای تعلق داشتن به یک قوم بطور طبیعی و تغییرناپذیر تعیین‌کننده هستند. در مقابل «پریمودیالیستها» «کونستروکتیویستها» قرار دارند که معتقدند ویژگی‌های ذهنی تعیین‌کننده می‌باشند و می‌گویند که اجتماعات تعلق خود را در روند عمل اجتماعی می‌پردازند و بوجود می‌آورند. بر طبق این نظریه اقوام اجتماعات تحول‌پذیری هستند و تنها تا زمانی باقی می‌مانند که اعضای این اجتماع خود را متعلق به آن بدانند.

ملت‌سازی و تنوع‌اتنیکی به ویژه آنجا با هم اصطکاک پیدا می‌کنند که ملت به عنوان اجتماعی مشترک از انسانهای برخوردار از اصل و نسب واحد درک و فهمیده شود. مفهوم «ملت» به شیوه‌های مختلفی کاربرد پیدا می‌کند.<sup>۷</sup> چنین است که تعلق به یک ملت از طرفی از طریق تبار مشترک مدلل می‌گردد و بدین ترتیب ملت بعنوان اجتماع از لحاظ قومی همگون درک می‌گردد («ملت قومی») که به آن همه‌آنهايي تعلق دارند که بر آنند از یک تبار و ریشه مشترک هستند، آن هم صرف نظر از تابعیت کشوری که دارند. در مقابل این بینش، ایده «ملت مدنی» وجود دارد که ملت را اجتماعی از شهروندان یک کشور می‌داند، آن هم صرف نظر از اینکه به چه قومی تعلق داشته باشند.

«تعلق قومی احساس اعتماد، اطمینان، همیاری و حمایت متقابل را بوجود می‌آورد (...).» ریشه داشتن در یک اجتماع است که شرایط گشاده‌رویی و انعطاف در مقابل قومهای دیگر را بوجود می‌آورد. در بسیاری از کشورهای چند قومی قومیت چون یک مقوله و فاکتور محوری سیاسی بر نظام دولتی غلبه دارد. البته از آن باید ناسیونالیسم قومی را به مثابه سیاسی کردن غیرمجاز هویت فرهنگی متمایز ساخت. ناسیونالیسم قومی به عنوان نوع ویژه‌ای از ناسیونالیسم درک می‌شود و به برتری تصور شده یک قوم بر یک قوم دیگر برمی‌گردد و در تضاد با همزیستی برابر در چارچوب یک ملت قرار دارد.<sup>۸</sup>

## فدرالیسم بعنوان اصل سازماندهی

فدرالیسم به اصلی از سازماندهی دولتی گفته می‌شود که در پی آن اجرای وظایف دولتی بین دو سطح فدرال و منطقه‌ای تقسیم و توزیع می‌گردد.<sup>۹</sup> فدرالیسم بطور عملی به صورتهای مختلفی پیاده گردیده است. مع‌الوصف هر نظام فدراتیو الزاماً باید از مختصات و مؤلفه‌های ذیل برخوردار باشد:<sup>۱۰</sup>

- حداقل از دو سطح حکومتی. هر یک از این دو سطح باید ساختارهای بنیادی مستقل سیاسی و اجتماعی خود چون مجلس نمایندگان، قوه مجریه منتخب این مجلس و قوه قضاییه را داشته باشند. این نظم نهادی باید در قانون اساسی فدرال مندرج و تضمین گردیده باشد.
- تفکیک صلاحیتهای قوه مجریه و مقننه بر طبق قانون اساسی و همچنین وجود حق اخذ مالیات، آنهم هم برای سطح فدرال و هم برای ایالتها. به ویژه ایالتها باید از صلاحیتهای انحصاری مناسب و همچنین منابع و بودجه مستقل برخوردار باشند. توزیع صلاحیتهای، حقوق و وظایف بر اساس اصل سوبسیدیاریتی صورت می‌گیرد که در آن صلاحیتهای ابتدا به پایین‌ترین سطح ممکن دولتی داده می‌شود و تنها آن زمان که این سطح به اظهار و اذعان خود از انجام آن مسؤلیت مشخص برنیاید، آن را به سطح بالاتر ارجاع و انتقال می‌دهند.

- مشارکت دولتهای ایالتی در تصمیم‌گیریهای سطح فدرال. این امر در بیشتر نظامهای فدرال از طریق «مجلس دوم» (یا مجلس سنا) صورت می‌پذیرد که اعضای آن را نمایندگان ایالتها تشکیل می‌دهند. این مشارکت می‌تواند از مشاوره در مورد موضوعات و سیاست سطح فدرال گرفته تا تصمیم‌گیری واقعی از طریق بهره‌گیری از حق وتو را دربرگیرد.
- قانون اساسی فدرال که هیچکدام از سطوح به تنهایی قادر نباشد آن را تغییر دهند و بدین ترتیب ضمانت ضمنی برای وجود ایالتها باشد.
- مرجع داوری (از طریق قوه قضایی یا از طریق رفراندوم) برای حل و فصل اختلافات بین دولت مرکزی فدرال و دولتهای ایالتی.

از ملزومات دیگر فدرالیسم همچنین یک رویکرد و رفتار بنیادی سیاسی معین می‌باشد؛ به این معنی که تفاوتها باید پذیرفته و محترم شمرده شوند و همچنین آمادگی برای مصالحه و همبستگی وجود داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

یکی از وظایف و ظرفیتهای اصلی فدرالیسم ادغام جوامع ناهمگون در خود و ارائه راه حل مقتضی برای حل اختلافات و تنشهای مابین آنها می‌باشد. البته حکومت کردن بر جوامع پلورالیستی به یاری نظام فدرال مناقشه‌ناپذیر نیست.<sup>۱۲</sup> در برخی این نگرانی که ممکن است واگذاری صلاحیتهای خودمختاری و منابع مالی به گروههای قومی گرایش‌های تمرکززدایانه را در آنها تقویت کند و دست آخر کشور را به انشقاق بکشاند بصورت نیرومندی وجود دارد. کم نبوده‌اند «فدراسیونهای» چند ملیتی که از هم پاشیده شده‌اند، مانند اتحاد شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی، و پیش از اینها فدراسیون هند غربی، فدراسیون شرق افریقا، رودزین/نیازالاند، پاکستان و اتحادیه مالائی در پروسه ضد استعماری دهه ۶۰. البته اکثریت این کشورها از شبه‌فدراسیون و فدرالیسم کذبی و جعلی<sup>۱۳</sup> برخوردار بوده‌اند. فدرالیسم چند قومی واقعی موفقیت‌های شایانی کسب نموده است. دو مورد از کهن‌ترین فدراسیونهای جهان، سوئیس و کانادا، در عین چند ملیتی بودنشان، بسیار موفق بوده‌اند. جوامع چندبافتی بلژیک و آفریقای جنوبی هم در دهه ۹۰ فدراسیونهای نوآور و نوینی را پایه‌گذاری نمودند. به ویژه باید هند، دومین کشور بزرگ دنیا را با ۱۵۰۰ زبان نام برد که به شیوه فدرال سازماندهی شده است.

دومین رسالت مهم فدرالیسم تقویت و تعمیق ظرفیتهای دموکراتیک نظام سیاسی می‌باشد.<sup>۱۴</sup> اصل تقسیم حاکمیت سیاسی و جلوگیری از تراکم و تمرکز قدرت سیاسی که برای دموکراسی از اهمیت حیاتی برخوردار می‌باشد، در نظام فدرال از طریق تفکیک و توزیع قدرت بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی به واقعیت تبدیل خواهد شد. این تقسیم قدرت شامل تقسیم صلاحیتهای اختیارات و همچنین نظام نهادها و قواعد نظامنامه‌ای که اصل «کنترل و توازن»<sup>۱۵</sup> را اجرا می‌کنند، صورت می‌گیرد. مضاف بر این در نظام فدرال شهروندان امکانات وسیعتری برای مشارکت سیاسی پیدا می‌کنند، مثلاً به این دلیل که می‌توانند از حق انتخاب خود نه تنها در ارتباط با سطح مرکزی بهره‌گیرند، بلکه همچنین در مورد حاکمیت سیاسی در منطقه خود. انتخابات در ایالتها (آلمان، آمریکا، ...)، کانتونها (سوئیس)، استانها (کانادا)، مناطق (بلژیک) برای شهروندان بطور کم یا بیش لاینقطع ممکن می‌سازد که از مسئولان و وکلا و نمایندگان خود خواهان پاسخگویی و حسابدهی شوند.

## و اما «فدرالیسم» نوع اتیوپیایی

همانطور که ذکر گردید، جمعیت اتیوپی از لحاظ قومی، فرهنگی، زبانی و دینی بسیار گوناگون است. علاوه بر این، در جمعیت روستایی خرده‌دهقانان، دامداران کوچگر و چادرنشینان وجود دارند که هر گروه از آنها خود منافع ویژه خود را دارند. این ویژگیها البته همیشه در انطباق با هم قرار ندارند.<sup>۱۶</sup>

دین	زبانها	قومها
۴۶ درصد مسیحی ارتدوکس	بین ۷۰ تا ۱۰۰ زبان و تعداد بیشماری لهجه.	مجموعاً ۹۰ قوم تنها ۷ قوم جمعیتی بالای ۱ میلیون نفر دارند!
۴۰ - ۴۵ درصد مسلمان سنی	زبانهای اصلی امهاری (که در عین حال زبان اداری نیز می‌باشد)، تیگریگانا و اورومیفا می‌باشند.	۳۵ درصد اورومو، ۳۶،۳ درصد امهاری و تیگره، ۶ درصد سیداما، ۶ درصد سومالی، ۴ درصد گورازه، ۴ درصد وولایتا، ۲ درصد آفار، ۶،۷ درصد بقیه <sup>۱۷</sup> .
۵ درصد پروتستان		
بقیه روح‌باور		

منبع: US Department of State, Background Note Ethiopia, January 2005

## مسأله ملیتها دلیل فدرالیزه کردن اتیوپی<sup>۱۸</sup>

این کشور قبل از گسترش اتیوپی در زمان منلیک بین ۱۸۸۹ و ۱۹۱۳ نسبتاً همگون بود: شوا<sup>۱۹</sup> مرکز سیاسی و فرهنگی این سرزمین بود و جمعیت بومی آن (به استثنای تیگریها) عمدتاً آسیمیلیه و حل شده بودند، اکثریت متعلق به کلیسای ارتدوکس بود و امهاریگنا بدون مناقشه زبان رسمی کشور بود. این کشور با مطیع کردن مناطق اصلی اتیوپی امروزی در جنوب، شرق و غرب آن در سده ۱۹، به museo di popoli امروز تبدیل شد. پروسه انتگراسیون قومهای سرزمین تصرف شده تا امروز موضوع مناقشه اقوام با دولت و بین خود این اقوام بوده است.

اتیوپی در دوره پادشاهی بطور بسیار واضحی بر اساس سلطه ناسیونالیسم قومی سازماندهی شده بود. حکومت و دستگاه اداری تنها در دست یک طبقه فوقانی امهاری متمکز بود و گروههای دیگر قومی هیچ دسترسی به قدرت سیاسی نداشتند. جمعیت در حال افزایش مسلمان این کشور صاف و ساده بطور رسمی نادیده گرفته می‌شد. استفاده از زبانهای بومی در دادگاهها، مدارس و در رسانه‌های همگانی ممنوع بود. همچنین رشد و توسعه اقتصادی که در «سرزمین تصرف شده» بوجود آمد، بدون آنکه مردم آن مناطق از آن بهره‌ای ببرند، مزید بر علت گردید. اینها عناصر اصلی «مسأله ملیتها» بودند که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۳ با شورش وویان در تیگرای به خشونت منجر گردید و از دهه ۶۰ به این سو باعث ناآرامیهای در اریتره، اورومیا و سومالی شده است. این طغیانها به کمک ارتش سرکوب گردیدند، همان ارتشی که پادشاه این کشور را در سال ۱۹۷۴ سرنگون نمود.

هر چند کودتاگران نظامی مسأله ملی را علی‌الاصول چون یک معضل قابل حل دیدند و شورای فرماندهی نیروهای نظامی («درگ») به رهبری ژنرال منگیستو ترکیب پلورالیستی یافت و در برنامه «انقلاب ملی دمکراتیک» منتشره سال ۱۹۷۶ برابری تمام ملیتهای اتیوپی رسماً به رسمیت شناخته شد و کاربرد زبانهای بومی مجاز شمرده شد و حتی کارزار سوادآموزی دهه ۸۰ به ۱۵ زبان صورت گرفت و قدرت کلیسای ارتدوکس محدود گردید و جایگاه اسلام از طریق به رسمیت شناختن ایام تعطیل اسلامی ترفیع یافت و سرشماری سال ۱۹۸۴ برای نخستین بار بطور رسمی تنوع قومی این کشور را تأیید نمود. اما با همه این احوال به زودی روشن گردید که خودمختاری پذیرفته شده از سوی «درگ» از جنبه فرهنگی فراتر نمی‌رود. حق تعیین سرنوشت سیاسی در رژیم منگیستو برای «تمامیت ارضی» اتیوپی خطرناک تشخیص داده شد و بیرحمانه سرکوب گردید. قانون اساسی سال ۱۹۸۷ که برای نخستین بار حق تعیین سرنوشت ملیتها را مطرح ساخت نیز تغییری در این واقعیت نداد و مسأله تمرکززدایی سیاسی همچنان لاینحل باقی ماند.

در سال ۱۹۷۵، در عکس‌العمل به مسأله ملی حل نشده، سازمانهای سیاسی با سمتگیری قومی تشکیل گردیدند، برای نمونه «جبهه آزادیبخش مردم تیگرای»، «جبهه آزادی آفار»، «جبهه آزادی اورومیا» و «جبهه آزادیبخش سومالی غربی». این جریانات و جنبش استقلال طلبانه اریتره (EPLF) پس از ۱۰ سال جنگ داخلی، در سال ۱۹۹۱ حکومت نظامیان («درگ») را سرنگون ساختند.

## مختصات فدرالیسم اتیوپیایی

«علت اصلی جنگ در داخل این کشور مسأله ملی بود. مردم برای حق کاربرد زبان خود، بهره‌گیری از فرهنگ خود، برای خودمختاری مبارزه می‌کردند. بدون تضمین این حقوق توقف جنگ و یا ممانعت از بروز جنگ دیگری ممکن نبود.»<sup>۲۰</sup> پس از سرنگونی حکومت اتیوپی در سال ۱۹۹۱، حکومت جدید و موقت «ملس زناوی» معتقد بود که با ناسیونالیسم قومی غالب تاکنونی و گرایش‌های تمرکززدایانه موجود در کشور تنها می‌تواند به یاری یک کشور فدرال قومی برخورد کند. لذا قومیت به اصل پایه‌ای نظم فدرال اتیوپی تبدیل گردید.<sup>۲۱</sup> هویت فردی شهروندان نیز بر مبنای این اصل مشخص گردید، چون تعلق قومی فرد نیز در کارت شناسایی وی قید می‌گردد.

مهمترین پیامد قومی کردن سازمان دولتی این می‌باشد که گروه‌های قومی اتیوپی نیز به حاملان و دارندگان جمعی حقوق سیاسی تبدیل شدند.<sup>۲۲</sup> در اتیوپی بر خلاف کشورهای دیگر، دارندگان قدرت دولتی بر طبق ماده ۸ قانون اساسی نه خلق اتیوپی در کلیت خود، بلکه بیش از ۸۰ ملت، ملیت و خلق این کشور می‌باشند.

بر طبق ماده ۳۹ قانون اساسی این کشور هر یک از گروه‌های قومی از خودمختاری وسیع فرهنگی و حق خودگردانی اداری برخوردارند. برعکس عرف بین‌المللی، حق خودگردانی به شیوه نامحدود اعطا شده است، چون این حق در اتیوپی، از لحاظ تئوریک آزادی این خلقها را برای جدایی از جمهوری فدرال اتیوپی شامل می‌شود.<sup>۲۳</sup> بر طبق مقررده نامبرده اقوام متفاوت این کشور هم‌ارح هستند و از حق حفظ و صیانت از هویت فرهنگی خود برخوردار می‌باشند. بر اساس اصل «اتحاد در عین تنوع»<sup>۲۴</sup> حق برخورداری از ویژگیهای فرهنگی و حق برابری حقوقی همه، همدیگر را مکمل می‌سازند و بدین گونه همزیستی فرهنگهای مختلف میسر می‌گردد.

قومیت بعنوان پایه اصلی قانون اساسی اتیوپی به ویژه بر مهمترین جنبه حق سرزمین تأثیر گذاشته است: بر طبق ماده ۴۰ سوم قانون اساسی، کشور اتیوپی به انضمام منابع زیرزمینی به همه خلقهای این سرزمین تعلق دارند.

همانطور که ذکر گردید، اصل قومیت همچنین تقسیمات کشوری را از نو سازمان داد. در دسامبر ۱۹۹۱ تعداد ۳۴ حوزه اداری<sup>۲۵</sup> که در سال ۱۹۸۷ از سوی «درگ» مشخص گردیده بودند، ابتدا به ۱۴ دولت منطقه‌ای تغییر داده شد که در هر کدام از آنها سخنوران یک زبان یا یک گروه زبانی اکثریت دارند. ماده ۴۶ قانون اساسی ۱۹۹۴ تقسیم‌بندی زبانی ایالتها را باری دیگر تأیید نمود. امروزه اتیوپی از نه منطقه مستقل و همچنین دو شهر که مستقیماً تحت مسؤولیت دولت فدرال قرار دارند، تشکیل گردیده است.

مناطق بوجود آمده جدید نیز به «وُردا»<sup>۲۶</sup> (حوزه‌های اداری) تقسیم شدند که در آنها اقلیتها در مناطق مسکونی خود رسماً قوم نامیده شدند. در این پروسه ۶۵ گروه قومی شناسایی شدند که به ۴۸ مورد از آنها «وُردا» اعطا گردید، درحالیکه ۱۷ گروه قوم مابقی می‌بایست به نمایندگانی متناسب با جمعیت خود در مجلس «وُردا» اکتفا کنند. بالاتر از «وُرداها» که بالاترین سطح اداری زیرمنطقه‌ای<sup>۲۷</sup> می‌باشند، «ناحیه‌ها»<sup>۲۸</sup> وجود دارند، که در زیر «کبلها»<sup>۲۹</sup> پایین‌ترین سطح اداری می‌باشد. جایگاه حقوقی «ناحیه‌ها» مشخص نیست، اما قوانین اساسی ایالتها «وُرداها» و «کبلها» را بعنوان سطوح اداری خودمختار، برخوردار از ارگانها و صلاحیتها خاص خود به رسمیت شناخته است.

ایالتهای این کشور علاوه بر تفاوت‌های اتنیکی و زبانی از لحاظ وسعت، تعداد جمعیت و تعداد واحدهای اداری نیز بغایت گونه‌گونند.

مناطق	مساحت (به هزار کیلومتر مربع)	جمعیت (به میلیون)	ناحیه‌ها	وَرِداها	شهرها
تیغرای	۶۰،۲	۳،۳۵۸	۴	۳۵	۷۴
آفار	۷۷،۰	۱،۱۳۱	۵	۲۸	۲۸
آمه‌ارا	۱۸۸،۸	۱۴،۷۶۹	۱۰	۱۰۳	۲۰۸
أرومیا	۳۶۰،۰	۲۰،۰۱۳	۱۲	۱۷۶	۳۷۵
سومالیا	۲۱۵،۹	۱،۹۷۹	۹	۴۷	۶۹
ب/گ	۴۶،۸	۰،۴۹۳	۲	۱۳	۱۳
اس‌ان‌ان‌بی	۱۱۲،۰	۱۱،۰۶۵	۹	۷۶	۱۴۹
گامبلا	۲۶،۱	۰،۱۹۵	۲	۸	۷
هراری	۰،۳	۰،۱۴۴	۳	۱۹	۱

منبع: Van der Loop, Local Democracy and Dezentralisation in Ethiopia

## قانون اساسی و واقعیتها در اتیوپی

ساختار سیاسی اتیوپی بر طبق بند یک ماده ۴۷ قانون اساسی فدرال این کشور در دو سطح مرکزی و منطقه‌ای سازماندهی شده است. هر یک از این مناطق نیز از قانون اساسی، نهادهای قانونی چون پارلمان، حکومت منتصب از سوی پارلمان و قوه قضائیه خود و همچنین از مسئولان و صاحب‌منصبان منطقه‌ای برخوردار هستند. تقسیم و تفکیک افقی قوا نیز در ماده ۵۰ قانون اساسی و در قوانین اساسی ایالتها مندرج گردیده است و از طریق صلاحیت سازماندهی که بر منطبق ماده ۵۲ قانون اساسی فدرال به مناطق واگذار گردیده نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. و بالاخره قانون اساسی فدرال تنها با مشارکت و موافقت ایالتها می‌تواند تغییر یابد.

هر چند خودمختاری ارگانهای ایالتی در قانون اساسی فدرال تضمین گردیده است، اما این مهم در عمل به سبب تسلط «جبهه دمکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» زیرپا گذاشته می‌شود.<sup>۳۰</sup> پژوهشهای پیشمار انجام گرفته در این خصوص<sup>۳۱</sup> بارها نشان داده‌اند که استقلال عمل ایالتها همواره آنجا مورد تهدید قرار گرفته است که هر دو سطح ایالتی و فدرال از سوی یک حزب واحد با گرایشات و ساختار تشکیلاتی مرکزگرایانه حکومت و کنترل می‌شود.

اتیوپی کشوری با سازماندهی اداری غیر متمرکز، اما تحت کنترل حزبی تمرکزگرا با گرایشات شدید «کلینتلیسم»<sup>۳۲</sup> محسوب می‌گردد.<sup>۳۳</sup>

«جبهه دمکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» از سال ۱۹۹۱ حکومت فدرال را تشکیل می‌دهد و با احزاب متحد خود تا انتخابات سال ۲۰۰۵ ۵۳۵ کرسی از ۵۴۷ کرسی «مجلس نمایندگان خلق» را داشت. علاوه بر این، در تمام ایالات این کشور حکومت ایالتی را تشکیل می‌دهد، حال یا با واسطه از طریق احزاب متشکل در این جبهه (که عبارتند از «جبهه آزادیبخش خلق تیغرای»، «جنبش ملی دمکراتیک آمه‌ارا»، «سازمان دمکراتیک خلق ارومیا»، «سازمان دمکراتیک خلق سیدامو در اس‌ان‌ان‌بی»، یا به صورت مستقیم توسط احزاب متحد وی («حزب دمکراتیک خلق سومالی»، «جبهه متحد خلق بنیشانگول/گوموس» و «حزب دمکرات مردم گامبلا»). مضاف بر این، «جبهه دمکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» و احزاب گماشته وی بر پارلمانهای ایالتی نیز تسلط دارد (بنگرید به جدول). اکثریت شاغلان ایالتها (در هر سه سطح) به حزب غالب در ایالت مربوطه تعلق دارد.

منطقه	تعداد کرسیهای پارلمان	مستقل	اپوزیسیون
تیگرای	۱۵۲	۴	۰
آفار	۸۷	۲	/
آمهارا	۲۹۴	۱۵	۰
أرومیا	۵۳۷	۱۸	۲
سومالیا	۱۶۸	۲۶	۱۵
ب/گ	۸۰	۴	۵
اسانانپی	۳۴۶	۴	۲۳
گامبلا	۵۵	۱۳	۰
هراری	۳۶	۰	۰
جمع	۱۷۵۵	۸۶	۴۵

موقعیت بیش از حد نیرومند «جبهه دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» به رهبری «جبهه آزادیبخش خلق تیگرای» به میزان تعیین کننده‌ای نوع شکل‌گیری و به کرسی نشاندن اراده سیاسی در این کشور را عیان می‌سازد.<sup>۳۴</sup> چشمگیرترین وجه مشخصه نظام حکومتی در اتیوپی وجود ساختارهای تصمیم‌گیرنده پنهان و غیررسمی با یک هسته قدرت می‌باشد که از سوی کمیته مرکزی «جبهه آزادیبخش خلق تیگرای» کنترل می‌شود. اجرای تصمیمات اخذ شده نیز از سوی کادرهای حزبی در سطح مرکزی و ایالتی کنترل می‌شود. کمیته مرکزی «جبهه آزادیبخش خلق تیگرای» پروژه‌هایی را تصویب می‌کند که مبنای آن برنامه‌های پنج ساله «جبهه دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» در سطح منطقه‌ای می‌باشد، همان برنامه‌هایی که محتوای آن از طرف همین «جبهه دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» مشخص شده گردیده است. این برنامه‌های منطقه‌ای سپس از جانب اعضای حزب در نقش شاغلان و مسئولان ایالتی به اجرا درمی‌آیند. ایالتها بطور تجریدی می‌توانند برنامه‌های منطقه‌ای را منطبق با شرایط منطقه‌ای خود نمایند، اما واقع امر چنین است که آنها در عمل ناچارند برنامه‌های پنج ساله «جبهه دموکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» را بدون تغییر بپذیرند.<sup>۳۵</sup>

خودمختاری ایالتها به ویژه از طریق ارگانها و نهادهای سطح فدرال مانند «وزارت امور فدرال» که در سال ۲۰۰۱ تشکیل گردید بطور بالقوه در مخاطره قرار دارد. وظیفه اصلی این وزارتخانه حمایت از مناطق، علی‌الخصوص از چهار منطقه رشدنیافته آفار، ب/گ، گامبلا و سومالی در امور سیاسی و اداری می‌باشد.<sup>۳۳</sup> هنوز بطور یقین مشخص نیست که آیا این نهاد به یک ارگان توسعه همکاری بین سطوح فدرال و ایالتی تبدیل خواهد شد و یا به یک ابزار دولت فدرال جهت کنترل و هدایت ایالتها، آنطور که سابقاً «دفتر امور مناطق» این کار را می‌کرد.

## حداقلی از صلاحیتهای انحصاری برای ایالتها

فصل ۵ قانون اساسی اتیوپی توزیع صلاحیتهای بین دولت فدرال و مناطق را تعیین نموده است که بر طبق آن دولت فدرال در کنار صلاحیتهای سنتاً فدرالی چون سیاست خارجی، دفاع از کشور، تجارت خارجی، پول و بانکها، مهاجرت، مخابرات، پست و زیربنای فراایالتی، همچنین وظیفه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را نیز برعهده دارد. علاوه بر این، سطح فدرال صلاحیت چهارچوبی در سیاست آموزش و پرورش و درمان و بهداشت، علوم و تکنولوژی را دارد. سطح فدرال همچنین اختیارات وسیعی در ارتباط با قانونگذاری و نرم‌گذاری دارد.

مناطق، مسئول تأسیس ارگانهای دولتی و سیستم اداری به انضمام اداره پلیس می‌باشند. آنها اختیار این را دارند که از قانون اساسی خود برخوردار باشند، مسئولیت و اختیار سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی ایالتی را دارند و بر رعایت قانون و نظم کنترل اعمال می‌کنند. مضاف بر این، آنها باید صلاحیتهای و اختیاراتی را بگیرند که به سطح فدرال بطور انحصاری یا بطور اشتراکی به ایالتها و فدرال تعلق ندارند (صلاحیتهای باقیمانده).

صلاحیتها، اختیارات و وظایف در کشورهای فدرال				
کشور	صلاحیتهای دولت فدرال (مرکزی)	صلاحیتهای ایالتی	صلاحیتهای رقابتی (همزمان متعلق به هر دو)	صلاحیتهای باقیمانده متعلق است به
بلژیک <sup>۳۷</sup>	دفاع سیاست مالی و پولی قوة قضایی	مناطق: تجارت خارجی، سیاست اقتصادی، اشتغال، حمل و نقل، محیط زیست، نظارت بر شهرها جوامع: آموزش و پرورش، فرهنگ	/	دولت مرکزی
هند <sup>۳۸</sup>	دفاع، تجارت، سیاست پولی، مهاجرت	نظم عمومی، پلیس، امور درمانی و بهداشت، کشاورزی، تجارت درون کشوری، شهرداری	برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات ارضی، دوره‌های کار، حقوق اقلیتها	دولت مرکزی
کانادا <sup>۳۹</sup>	دفاع، تجارت، پول و بانکها، بیمه بیکاری، امور سرخ‌پوستان	مساعده‌های اجتماعی، امور درمانی و بهداشت، مالکیت و حقوق دیگر مدنی، شهرداری، فروش اراضی	کشاورزی، بازنشستگی، دوره‌های کار، مهاجرت	دولت مرکزی
سوئیس <sup>۴۰</sup>	سیاست خارجی، گمرک، دفاع، سیاست پولی و مالی، پست، حقوق مدنی، حقوق کیفری	نظم عمومی، پلیس، دوره کارآموزی، امور فرهنگی، بهداشت و درمان، برنامه‌ریزی منطقه‌ای		کانتونها
آفریقای جنوبی <sup>۴۱</sup>	دفاع، سیاست خارجی، گمرک، پول و بانکها	/	تجارت، کمکهای اجتماعی - دولتی، امور درمانی و بهداشت، حمل و نقل، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره کار، امور فرهنگی	دولت مرکزی

هسته بنیادی فدرالیسم تقسیم وظایف و صلاحیتها و اختیارات دولتی بین حداقل دو سطح دولتی و اداری می‌باشد.<sup>۴۲</sup> امور مشترکی که به کل کشور برمی‌گردند را دولت فدرال انجام می‌دهد و اموری که به مناطق برمی‌گردند را سطح ایالتی بر عهده می‌گیرد. اختصاص و وگذاری صلاحیتها در تمام کشورهای فدرال یکسان نیست.<sup>۴۳</sup> اما اصولاً می‌توان گفت که روابط خارجی، دفاع، سیاست ارزی و مالی، مهاجرت و تابعیت در حوزه اختیارات دولت مرکزی فدرال می‌باشد، لیکن ایالتها مسؤول تدوین، تصویب و اجرای قانون اساسی ایالتی، نظم عمومی و پلیس، آموزش و پرورش، فرهنگ، امور اجتماعی و بهداشت و درمان می‌باشند.



## مشکل اختصاص صلاحیتها در اتیوپی

بر طبق قانون اساسی، مناطق صلاحیتهای فراوانی کسب نموده‌اند. اما واقعیت امر چیز دیگری را نشان می‌دهد: تمام صلاحیتها و اختیاراتی که ایالتها طبق قانون از آن برخوردار هستند، حتی ده سال پس از اعتبار قانونی و اجرایی یافتن آن هنوز به مرحله اجرا در نیامده‌اند و تنها روی کاغذ مانده‌اند. مشکلات در این حوزه به ویژه آنجا بوجود می‌آیند که صلاحیتهای دولت فدرال مرکزی با صلاحیتهای ایالتها در هم تداخل پیدا می‌کنند.

دولت مرکزی اتیوپی مسئول تهیه و اجرای برنامه‌های اقتصادی و توسعه تمام کشور می‌باشد. هر یک از ایالتها نیز صلاحیتهای مشابهی در بعد مناطق خود را دارند. در کشورهای فدرال معمول است که صلاحیتهای موازی به دو سطح حکومتی اختیار می‌دهند که در یک بخش معین جدا از هم به فعالیت پردازند.<sup>۴۴</sup> بر طبق متن قانون اساسی این کشور نیز هر یک از دولت‌های ایالتی اختیار این را دارند، سیاستهای اقتصادی و اجتماعی خود را بطور مستقل طرح‌ریزی و اجرا کنند. اما واقع امر خلاف این است، به این معنی که مهمترین طرحها و برنامه‌های اقتصادی و توسعه از طریق دولت مرکزی طراحی شده و احزاب عضو «جبهه دمکراتیک انقلابی خلق اتیوپی» و یا ایالت‌هایی که احزاب دست‌نشانده «ج. د. ا. خ. ا.» بر آنها حکومت می‌رانند، خود را محدود به این می‌سازند، تنها این طرحهای حکومت مرکزی را بدون تغییر در ایالتها خود اجرا نمایند.<sup>۴۵</sup>

دولت مرکزی اتیوپی در کنار صلاحیتهای وسیعی که در زمینه اقتصادی و اجتماعی دارد، از اختیار وضع قوانین کلی و چهارچوبی در بخشهای آموزش و پرورش و بهداشت و درمان نیز برخوردار است که بر طبق آن دولت مرکزی می‌تواند مقرراتی را وضع کند که تبیین جزئیات آن با ایالتها باشد. تفاوت مهم این صلاحیتها با صلاحیتهای دیگر در این است که حکومت مرکزی باید در این بخش بر طبق قانون امکان ساماندهی مستقل عرصه‌هایی از سیاست را به ایالتها بدهد.<sup>۴۶</sup> اما حکومت مرکزی اتیوپی صلاحیتهای کلی و چهارچوبی را که به وی اعطا شده است، بارها درنور دیده و بیشتر از اختیاراتی که قانون به وی داده، عمل نموده است، به این شیوه که در مورد موضوع قانون، جزئیات کامل را هم معین نموده و جایی برای تداخل ایالتها و گنجاندن تمایلاتشان در قوانین مربوطه نگذاشته است. یک نمونه بارز در جاه‌طلبی دولت مرکزی، بخشنامه سال ۱۹۹۴ در مورد مدارس می‌باشد که در آن موازین حتی آموزش ابتدایی نیز بطور کامل و مشروح تنظیم و مقرر گردیده است. یک مثال دیگر، مقررات سال ۱۹۹۷ در مورد سیاست فرهنگی (!) می‌باشد که در آن دولت مرکزی احکام و دستوراتی را برای موازین زبانی در ایالتها به آنها اعلام نموده است.<sup>۴۷</sup>

در نتیجه باید گفته شود که حجم صلاحیتهای اجرایی و قانونگذاری دولتهای ایالتی اتیوپی در قیاس بین‌المللی کم می‌باشد (به جدول فوق نگاه کنید): دولت مرکزی صلاحیتهای وسیع انحصاری در بخشهای مهم سیاست و موازین قانونی و بخشنامه‌ای دارد و آنجا هم که بر طبق قانون دولت مرکزی و دولتهای ایالتها در یک زمینه معین صلاحیتهای مشترک دارند، در عمل این دولت مرکزی است که نقش کلیدی را برعهده می‌گیرد.

در اتیوپی بر خلاف دولتهای فدرال دیگر وزنه زیادی که دولت مرکزی در تبیین قوانین دارد، حتی از طریق افزایش اختیارات دست کم اجرایی ایالتها برای مناطق جبران و تلافی نمی‌شود.<sup>۴۸</sup> با توجه به فقدان مقررۀ مربوطه در قانون اساسی این کشور، می‌توان چنین برداشت نمود که در آن هر سطحی که قانون را تصویب می‌کند، مسؤولیت اجرای آن نیز عهدآدار است. بنابر این قدرت زیاد از حدی که دولت مرکزی در حوزه تدوین و تصویب قوانین و مقررات دارد، در حوزه اجرای آنها بسط می‌یابد.

## منابع و بودجه مناسب ایالتها

در مواد ۹۴ به بعد قانون اساسی اتیوپی توزیع منابع مالی بین دولت مرکزی و ایالتها مقرر گردیده است که بر طبق آن مناطق این کشور از طریق اخذ مالیاتها، وجوه دولت فدرال و وامها تأمین مالی می‌شوند.

تقسیم صلاحیتها برای اخذ مالیاتها در اتیوپی به صورتی غیرمتعارف تنظیم گردیده است، به این معنی که این تقسیم‌بندی بیشتر بر طبق مکلفین پرداخت کننده مالیاتها صورت گرفته و کمتر بر اساس نوع مالیاتها. حق دولت فدرال مرکزی برای اخذ مالیاتها شامل

گمرک، عوارض صادرات، مالیات بر شرکتها، عوارض مونوپولی و همچنین مالیاتهای بلیط بخت آزمایی و شرط بندی می باشد، درحالیکه حقوق انحصاری ایالتها برای اخذ مالیات محدود به عوارض بهره برداری از زمین و جنگل می گردد. مرکز و ایالتها مالیات بر درآمدها، مالیات بر ارزش اضافی (فروش) و مالیاتهای دیگر مصرف و بهره برداری و یک دسته دیگر از عوارض را بین خود تقسیم می کنند. علاوه بر این ماده ۹۸ قانون اساسی مقرر نموده که مواردی را که در زمینه اخذ مالیاتها نام برده نشده اند را مجلس سنا (نماینده ایالتها در مرکز) و مجلس نمایندگان مردم معین می سازند. این مقرر به این دلیل مهم است، چون نه سطح فدرال و نه سطح ایالتی از صلاحیت عمومی در این حوزه برخوردار نمی گردد.

ماده ۱۰۰ قانون اساسی به «ترانسفرها» (یعنی اختصاص بودجه و انتقال مساعدتهای مالی دولت فدرال به ایالتها) اختصاص یافته است. در اتیوپی اعطای مساعدت بصورت وجوه کلی سالانه انجام می پذیرد. از سال ۲۰۰۱ مجلس سنای این کشور می باشد که در مورد اختصاص مساعدتهای مالی تصمیم می گیرد. این کار برای هر منطقه بر اساس تعداد جمعیت (۵۵ درصد)، میزان هزینه ها (۲۰ درصد)، میزان مالیاتهای دریافتی (۱۵ درصد) و سطح رشد (۱۰ درصد) صورت می گیرد. میزان خالص یارانه مالی فدرال به مناطق پس از کاهش درآمدهای خود ایالت و کمکهای بین المللی از وجه مشخص شده بدست می آید.

## کشورهای دیگر

تقسیم منابع مالی بین دولت فدرال و ایالتها در نظامهای فدرال		
کشور	حق اخذ مالیاتها	ترانسفر (انتقال بودجه از دولت فدرال به ایالتها)
بلژیک	تقسیم حق اخذ مالیاتها بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی: ۴۵ مالیاتها از سوی خود مناطق اخذ و خرج می شوند	ترانسفر بصورت یارانه دولت فدرال
هند	تقسیم حق اخذ مالیاتها بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی: البته دوسوم کل مالیاتها از طرف دولت مرکزی گرفته می شوند	ترانسفر (% مالیات ملی/ یارانه افقی) توصیه از سوی یک کمیسیون مستقل قانون اساسی (دوره ۵ ساله)
کانادا	حق گرفتن مالیات استانها (به ویژه مالیاتهای مستقیم، مالیات بر ارزش اضافی)؛ بیش از ۵۰ درصد کل مالیاتها از سوی خود استانها اخذ می گردند	ترانسفر بصورت یارانه/ مشارکت در برنامه های مشترک، به ویژه بر اساس مذاکرات غیررسمی بین دولت فدرال و استانها
سوئیس	حق اخذ مالیاتهای مستقیم توسط کانتونها؛ بیش از ۵۰ درصد کل مالیاتها توسط خود کانتونها تعیین و گرفته می شوند	ترانسفر بصورت % مالیاتها/ یارانه؛ مکانیسم آن را قانون اساسی معین کرده است (مصوبه مجلس شورای ملی)
افریقای جنوبی	حق محدود ایالتها برای اخذ مالیات؛ بیش از ۹۵ درصد کل مالیاتها از سوی دولت مرکزی گرفته می شوند	ترانسفر بصورت یارانه؛ تعیین آن از سوی کمیسیون قانون اساسی

واگذاری بیشترین صلاحیتها و وظایف ممکن به ایالتها فاقد ارزش و اعتبار خواهد بود، چنانچه برای انجام آنها همزمان منابع مالی لازم در اختیار ایالتها گذاشته نشوند.<sup>۹</sup> همانطور که جدول بالا مشخص می سازد، در ارتباط با حق مالیاتی دولتهای ایالتی و میزان ترانسفر (یارانه های انتقالی از طرف دولت فدرال به ایالتها) تفاوت های زیادی وجود دارد. دلیل برای برخورداری از منابع مالی شایان عدم توازن مالی عمودی، یعنی فاصله بین درآمدهای مالیاتی و میزان هزینه های دولتهای ایالتی می باشد (در این ارتباط به جدول زیر توجه فرمایید):

### تناسب بین درآمدها و هزینه‌های واحدهای منطقه‌ای (توازن مالی عمودی)

۰،۰۸	کانادا	۰،۱۱	برزیل	۰،۵۲	اتیوپی
۰،۳۷	مالزی	۰،۰۷	چین	۰،۰۳	آرژانتین
۰،۳۶	مکزیک	۰،۱۵	آلمان	۰،۲۴	استرالیا
۰،۸۸	آفریقای جنوبی	۰،۲۸	هند	۰،۶۶	بولیوی

هر چه ضریب به صفر نزدیک باشد، عدم توازن مالی عمودی کمتر و به همین دلیل نیاز به یارانه دولت فدرال نیز کمتر می‌باشد.  
منبع: بانک جهانی، اتیوپی: پژوهش‌های منطقه‌ای، ۲۰۰۰، ص ۲۵.

### مشکلات توزیع منابع مالی در اتیوپی

یکی از مختصات نظام کشوری کنونی اتیوپی تمرکززدایی وسیع مسئولیتها و صلاحیت‌های دولتی در عین تمرکزگرایی مشکل ساز درآمدهای مالیاتی می‌باشد. ایالتها حدود ۵۰ درصد کل وظایف دولتی (۴۷،۷ درصد: ۲۰۰۲/۲۰۰۳) را برعهده دارند که ۷۰ درصد آنها در زمینه آموزش و پرورش و ۹۰ درصد در زمینه بهداشت و درمان می‌باشد<sup>۵۰</sup>، درحالیکه آنها در سال ۲۰۰۲/۲۰۰۱ کمتر از ۲۰ درصد درآمدهای مالیاتی و کمی بیشتر از ۲۰ درصد درآمدهای دیگر را داشته‌اند. دلیل آن هم این است که اصلی‌ترین و درآمدزاترین نوع مالیاتها بر طبق قانون اساسی نه به ایالتها، بلکه به دولت مرکزی تعلق دارند<sup>۵۱</sup>: ۱۰۰ درصد درآمدهای گمرکی که ۱۵ درصد کل درآمدها می‌باشد، به دولت مرکزی تعلق می‌گیرد؛ و همچنین چهار پنجم مالیاتهای غیرمستقیم را که در کل ۳۰ درصد درآمدهای کشور می‌باشند نیز از آن دولت مرکزی می‌باشد؛ علاوه بر اینها دو سوم مالیاتهای مستقیم نیز برای دولت مرکزی ارسال می‌گردد.

این عدم تناسب میان وظایف وسیع دولتی در عین برخوردار بودن از درآمدهای مالیاتی کم ناتوانی مالی عمودی سنگینی بوجود آورده است (که ضریب آن طبق جدول فوق در اواسط دهه نود ۰،۵۲ بوده است و تنها کشورهای بولیوی (۰،۶۶) و آفریقای جنوبی (۰،۸۸) بیشتر از آن بوده است. این ناتوانی شدید به دلیل وابستگی مالی که ایالتها در پی آن به دولت مرکزی پیدا می‌کنند آسیبهای زیادی به حق تعیین سرنوشت ایالتها و استقلال عمل آنها می‌رساند<sup>۵۲</sup>.

مقرر نمودن اختصاص یارانه به چنین شیوه‌ای از خیلی لحاظ دشواریهای فراوانی بوجود می‌آورد<sup>۵۳</sup>:

(۱) نرخ ۱۵ درصدی اعطای یارانه به نسبت میزان مالیاتهای دریافتی، بسیار کم می‌باشد، چرا که انگیزه زیادی ایجاد نمی‌نماید.

(۲) هر چند کاهش یارانه دولت فدرال به دولتهای ایالتی به میزان کمکه‌های دریافتی بین‌المللی نفوذ سازمانهای جهانی را به ایالتها کاهش می‌دهد، اما این رویه در عین حال انگیزه آنها را برای تلاش جهت کسب کمکه‌های بیشتر از ارگانهای بین‌المللی در کنار یارانه‌های دولت فدرال از بین می‌برد و این وابستگی آنها را به دولت مرکزی افزایش می‌دهد.

(۳) هنوز هم معیارهای عینی برای تعیین میزان اعطای یارانه دولت مرکزی به ایالتها وجود ندارد و دولت مرکزی این کار را با تشخیص و صلاحدید خود انجام می‌دهد.

(۴) ترانسفرهای دولتی نه تنها باید ناتوانی عمودی که بین مناطق و دولت مرکزی وجود دارد، تعدیل دهد، بلکه همچنین باید ناتوانی افقی که از تفاوت میزان درآمدهای مالیاتی استانها بوجود می‌آید را نیز از بین ببرد. اما مدل ترانسفری که اتیوپی از آن برخوردار است، عدم توازن بزرگی که از لحاظ بضاعت مالی بین مناطق وجود دارد را تغییر چندانی نداده است [و این اصل همبستگی که در فدرالیسم باید وجود داشته باشد را از بین برده است]. در سال ۲۰۰۰ میزان تأمین مالی وظایف دولتی از درآمدهای داخلی خود مناطق همچون سابق بین کمتر از ۱۰ درصد در مناطقی چون آفار، ب/گ، گامبلا و سومالیا و بالای ۹۰ درصد در آدیس آببا در نوسان بوده است (جدول زیر سهم درصدی تأمین هزینه‌ها از منابع داخلی خود مناطق را نشان می‌دهد).

میزان درصدی تأمین هزینه‌ها از درآمدهای داخلی خود مناطق							
مناطق	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴
تیگرای	۲۶،۰	۲۵،۹	۲۵،۶	۲۶،۶	۲۸،۹	۱۹،۶	۱۸،۶
آفار	۶،۱	۵،۶	۵،۴	۲۲،۰	۹،۷	۱۳،۲	۸،۸
آمه‌ارا	۲۰،۹	۱۸،۲	۱۹،۰	۱۹،۱	۱۸،۶	۱۷،۴	۱۸،۸
اورومیا	۲۷،۶	۲۷،۰	۲۸،۸	۳۰،۱	۲۹،۷	۲۷،۴	۲۹،۲
سومالیا	۹،۶	۱۱،۸	۸،۹	۲۳،۰	۲۴،۶	۴۲،۵	۶،۱
ب/گ	۷،۹	۵،۳	۴،۸	۶،۸	۵،۹	۷،۲	۶،۶
اس.ان.پ.ان.پ.	۲۰،۸	۱۷،۸	۲۰،۹	۲۳،۱	۲۱،۵	۱۸،۷	۱۹،۲
گامبلا	۵،۶	۴،۸	۵،۱	۸،۷	۵،۸	۱۰،۸	۸،۸
هاراری	۱۲،۱	۹،۷	۹،۸	۱۹،۶	۱۸،۸	۱۵،۷	۳۳،۷
آدیس آبیا	۹۰،۵	۸۵،۱	۹۹،۱	۹۹،۴	۷۵،۸	۶۷،۶	۶۳،۸
دیر داوا	۵۴،۹	۳۵،۶	۲۷،۶	۵۳،۴	۵۰،۹	۶۸،۸	۸۹،۹

منبع برای سالهای ۹۴ الی ۹۷: بانک جهانی، پژوهش‌های منطقه‌ای، ۲۰۰۰، ص ۲۶؛  
منبع برای سالهای ۹۸ الی ۲۰۰۰: Local Democracy، ضمیمه شماره ۴

یک مشکل جالب دیگر از دومین موج تمرکززدایی بوجود می‌آید که در سال ۲۰۰۲ آغاز گردید و در پی آن صلاحیتهای بیشتری به «وُردا»ها اعطا شد. عناصر اصلی این رفرم، واگذاری صلاحیتهای مالیاتی به وردها می‌باشند. تا آن زمان بودجه آنها از طرف خود ایالتها یا نواحی (Zone) تعیین و اداره می‌شد. از سال ۲۰۰۲/۲۰۰۳ «وردا»های چهار ایالت آمه‌ارا، اورومیا، اس.ان.پ.ان.پ.آر.اس. تیگرای یارانه دولتی را بصورت کلی و یکجا از ایالتها دریافت و بودجه خود را خود مشخص می‌سازند.<sup>۵۴</sup> آنچه که مسلم است این می‌باشد که ایالتها به سبب ترانسفر بودجه به «وردا»ها بین ۵۰ و بالای ۸۰ درصد امکانات و میدان و آزادی عمل سیاسی و بدین دلیل وزن خود را در مقابل دولت مرکزی از دست می‌دهند.

## مشارکت دولتهای ایالتی در تصمیم‌گیریهای دولت مرکزی

اتیوپی نیز همانند بسیاری از کشورهای فدرال بر طبق ماده ۵۳ قانون اساسی از یک نظام دو مجلسی برخوردار است؛ مجلس نمایندگان کل مردم و شورای فدرال. این شورای فدرال بر اساس ماده ۶۱ قانون اساسی از نمایندگان ملل، ملیتها و خلقه‌های این کشور تشکیل می‌شود. این نمایندگان، بسته به اینکه ایالت مربوطه آنها چگونه مقرر کرده باشد، یا از طرف مردم برگزیده می‌شوند و یا از سوی پارلمان ایالتی. شورای فدرال در حال حاضر ۱۱۲ نماینده دارد که از این تعداد ۷۱ تن از سوی ایالتها فرستاده می‌شوند و ۴۱ عضو دیگر بر اساس سهمیه‌بندی بین همه ملیتهای این کشور تقسیم می‌گردد. ماده ۶۲ قانون اساسی کشور می‌گوید که مهمترین رسالتهای و مسؤولیتهای شورای فدرال تفسیر قانون اساسی، رفع و رجوع اختلافات مابین ایالتها و تصمیم‌گیری در ارتباط با تخصیص اعتبار دولت فدرال به ایالتها می‌باشد. شورای فدرال صلاحیت تصمیم‌گیری انحصاری در مورد بودجه را ندارد، بلکه بودجه تنها با موافقت مجلس نمایندگان مردم تصویب می‌گردد (ماده ۶۵ قانون اساسی). براساس همین قانون، شورای فدرال مکلف است، سالانه دو جلسه برگزار کند.

یکی از عناصر و مؤلفه‌های اصلی هر نظام فدرال مشارکت ایالتها در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولت مرکزی می‌باشد.<sup>۵۵</sup> این امر در اکثر کشورهای فدرال (به استثنای میکرونزی، سنت کیتس، امارات متحده عربی و ونزوئلا) از طریق پایه‌گذاری یک سیستم دو مجلسی تأمین گردیده است که عرفاً یکی از آنها از نمایندگان کل مردم کشور تشکیل می‌گردد و دیگری نمایندگی منافع ایالتها را برعهده دارد. اگر چه تفاوت‌های زیادی بین کشورهای فدرال در ارتباط با نوع گزینش اعضا، ترکیب و صلاحیتهای شورای فدرال به مثابه نمایندگی ایالتها و مناطق مختلف کشور در سطح مرکزی فدرال وجود دارد، با این حال وظیفه اصلی این شورا یا مجلس دوم در تمام این کشورها مشارکت در پروسه قانونگذاری و دیگر امورات مربوط به تعیین موازین قانونی سطح دولت مرکزی می‌باشد.<sup>۵۶</sup>

### نمایندگی ایالتها در سطح فدرال (شورای فدرال ایالتها؛ «مجلس دوم»، «مجلس سنا»)

کشور فدرال	شیوه گزینش اعضای شورای فدرال از سوی ایالتها	شیوه تقسیم کرسی‌ها در این شورا	برخورداری از حق
بلژیک	انتخاب از طریق مردم هر ایالت	عدم تقسیم کرسی‌ها بر اساس تعداد جمعیت هر ایالت	وتوی مطلق
هند	انتخاب از طرف پارلمان ایالتی + سهمیه‌بندی بر اساس جمعیت ملیتها	سهمیه‌بندی بر اساس جمعیت ملیتها	وتوی نسبی
کانادا	انتصاب از طرف دولت فدرال (مرکزی)	عدم سهمیه‌بندی بر اساس جمعیت ملیتها	وتوی مطلق
مالزی	یک سوم از طریق پارلمانهای ایالتی، بقیه بر اساس سهمیه ملیتها	عدم سهمیه‌بندی بر اساس جمعیت ملیتها	وتوی تعلیقی (جهت به تعلیق یا عقب‌انداختن قوانین)
سوئیس	انتخاب مستقیم از سوی مردم هر ایالت (کانتون)	سهمیه‌بندی بر اساس جمعیت ملیتها	وتوی مطلق

### مشکلات سیستم دو مجلسی اتیوپی

شورای فدرال بر اساس قانون اساسی این کشور ارگان نمایندگان «ملتها، ملیتها و خلقها»، یعنی اقوام این کشور می‌باشد. هر یک از این اقوام حق حداقل یک کرسی و همچنین برای هر یک میلیون نفر از جمعیت آن یک کرسی دیگر را دارد. در حال حاضر ۶۴ قوم در شورای فدرال نمایندگی دارند. بنابراین اعضای شورای فدرال، بر خلاف کشورهای برخوردار از نظام دو مجلسی ایالت یا کل مردم ایالت متبوع خود را نمایندگی نمی‌کنند، بلکه اقوام را. شورای فدرال اتیوپی برای این بنیانگذاری گردید، تا همیاری و دوستی بین اقوام این کشور را بر پایه برابری و احترام متقابل حفظ کند و تکامل بخشد.<sup>۵۷</sup> بنابراین وظیفه اصلی شورای فدرال اتیوپی عبارت است از صیانت از جایگاه قانونی اقوام اتیوپی و اعتلای آن. بر طبق قانون اساسی این کشور این شورا دو صلاحیت اصلی دارد، تفسیر قانون اساسی و رفع مناقشات و تنظیم مناسبات ایالتها. بنابراین شورای فدرال اتیوپی بر خلاف «مجلس دوم» در کشورهای دیگر فدرال که در آنها این ارگان حداقل در پروسه قانونگذاری دولت مرکزی مشارکت دارند، نه حق ارائه لایحه قانونی به پارلمان نمایندگان مردم را دارد و نه حق وتوی مطلق یا نسبی. حتی در پروسه تعیین موازین و مقررات قانونی دولت مرکزی مورد استماع و مشاوره هم قرار نمی‌گیرد.<sup>۵۸</sup> لذا شورای فدرال اتیوپی یک «مجلس دوم» واقعی با اختیارات و صلاحیتهای ضرور نمی‌باشد. بنابراین مدل دولتی اتیوپای باید در واقع یک مجلسی محسوب گردد.

## وجود یک مرجع داوری

### کشورهای دیگر

یک معیار مهم برای شناسایی کشورهای فدرال و تأمین کارکرد آن وجود مکانیسمهایی برای حل اختلاف برآمده از تقسیم عمودی قوا می‌باشد.<sup>۹</sup> آنچه که در این خصوص اهمیت تعیین‌کننده پیدا می‌کند این می‌باشد که این مرجع داوری باید بی‌طرف و مستقل باشد. اگر صلاحیت حل اختلاف در مورد قانون اساسی را یکی از دو سطح فدرال یا ایالتی داشته باشند، این امر خودمختاری و استقلال عمل سطح فدرال و ایالتی و تقسیم و توزیع قدرت بین آنها را به مخاطره می‌اندازد.

در کل سه نوع مهم مکانیسم حل اختلاف وجود دارد:<sup>۱۰</sup>

۱.	هند، کانادا، مالزی	عالی‌ترین دادگاه فدرال
۲.	بلژیک	دادگاه مستقل (نه ایالتی، نه فدرال) قانون اساسی
۳.	سوئیس	رفراندوم

### ایرادات مدل داوری اتیوپی

اتیوپی یک مدل چهارمی را ایجاد نموده است. همانطور که فوقاً نیز گفته شد، شورای نمایندگی ایالتها در این کشور مسئول تفسیر قانون اساسی می‌باشد که و این از دو لحاظ مشکل‌ساز است: نخست از این لحاظ که شورای نمایندگی ایالتها یک نهاد بی‌طرف نیست، بلکه خود در نظام دو مجلسی بخشی از پارلمان می‌باشد و می‌توان آن را بالاترین ارگان فدرال نامید. دوم اینکه قانون اساسی بطور مشخص مقرر نموده که این ارگان اختلافات بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی را نیز باید حل و فصل کند.<sup>۱۱</sup> بنابراین حدود و ثغور وظایف و نوع اختلافاتی که این شورا باید حل کند، در قانون اساسی گنگ و مبهم فرموله شده است. قانون اساسی اتیوپی همچنین هیچ ابزاری را برای همکاری بین دولت فدرال و دولتهای ایالتی تعیین ننموده است و این با توجه به تعداد زیادی از صلاحیتهای قانونگذاری مشترکی که بین این دو سطح وجود دارد، دشواریهای زیادی ایجاد می‌کند.<sup>۱۲</sup> در قانون اساسی این کشور همچنین اصل «وفاداری به نظام فدرال» هم که در کشورهای فدرال دیگر دو سطح دولتی فدرال و ایالتی را مکلف به رعایت همدیگر، تبادل اطلاعات و همکاری می‌کند، وجود ندارد.

عنوان مقاله:	10 Jahre ethnischer Föderalismus in Äthiopien – zwischen Selbstbestimmungsrecht und Balkanisierung -
نویسندگان:	Nadia von Bassewitz و Hartmut Heß
منبع اینترنتی:	<a href="http://fesportal.fes.de/pls/portal30/docs/FOLDER/INTERNATIONAL/AFRIKA/Sachberichte/SB_Ethiopia_ethnFoeder_Endv_mK.pdf#search=10%20jahre%20ethnischer%20f%C3%B6deralismus%20in%20%C3%A4thiopien">http://fesportal.fes.de/pls/portal30/docs/FOLDER/INTERNATIONAL/AFRIKA/Sachberichte/SB_Ethiopia_ethnFoeder_Endv_mK.pdf#search=10%20jahre%20ethnischer%20f%C3%B6deralismus%20in%20%C3%A4thiopien'</a>
انتشار یافته از سوی بنیاد علمی:	FRIEDRICH-EBERT-STIFTUNG
تاریخ ترجمه:	۲۲ بهمن ۱۳۸۴ برابر ۱۱ فوریه ۲۰۰۶

<sup>۱</sup> عنوان مقاله «فدرالیسم قومی در اتیوپی - میان حق تعیین سرنوشت و بالکانیزاسیون» می‌باشد که با عنایت به تز مقاله قدری از سوی مترجم تغییر داده شده است. (مترجم)

<sup>۲</sup> Federal Democratic Republic of Ethiopia

<sup>۳</sup> Afar, Amhara, Benishangul-Gwmuz (B/G), Gambella, Harar, Oromia, Somali, Southern Nations, Nationalities and Peoples Regional State (= SNNPRS), Tigray

<sup>۴</sup> Schubert/Klein: Das Politiklexikon, Bonn 2001. www.bpb.de

<sup>۵</sup> www.bpb.de

<sup>۶</sup> Houben: Kulturpolitik und Ethnizität in Rußland, Berlin 2003, p. 71 Khazaleh: Wessen Kultur bewahren. Basel 2000, Kapitel 14. .

<sup>۷</sup> Sundhausen: Staatsbildung und ethnisch nationale Gegensätze auf dem Balkan. Aus Politik und Zeitgeschichte (B10-11/2003), Kapitel 1.

<sup>۸</sup> Jahn: Demokratie und Nationalismus alias Patriotismus – Einheit oder Widerspruch. Bergen 1994. S. 63; Cedermann: Ethnizität und Nationalismus. Vorlesung zum Thema Herausforderungen und Lösung gegenwärtiger Konflikte. Technische Hochschule Zürich.

<sup>۹</sup> Hrbek: Föderalismus und Demokratische Legitimität. Internationale Föderalismuskonferenz in Brüssel. 2005. S. 3

<sup>۱۰</sup> Watts: models of Federal Power Sharing. International Conference of Federalism in Mont Tremblant, 1999. S. 4 - Auclair: Le Fédéralisme: Ses Prinipes, sa flexibilité, International Conference on Decentralisation in Manila, 2002, S. 5.

<sup>۱۱</sup> Watts: Aktualität der föderalistischen Idee. International Conference on Federalism in St. Callen, 2002. S. 3

<sup>۱۲</sup> Mc Garry, Can Ferealism Help to Manage Ethnic or National Diversity, in: Federations Magazine, Vol. 4, No.1, 2004 – Coppieters/Scholsem: Paper for the Working Group on Federalism, Conflict Prevention and Settlemnt, International Conference of Federalism, Brüssel 2005. S. 3

<sup>۱۳</sup> Pseudo- oder Qusi-Föderation

<sup>۱۴</sup> Hreb (زیر نویس شماره ۸)

<sup>۱۵</sup> Checks and balances

<sup>۱۶</sup> در اورومیایی‌های برخوردار از یک زبان واحد هم کشاورز یافت می‌شود، هم چادر نشین؛ گوراژها ۳ زبان مختلف با گویشهای متفاوت دارند؛ در غرب اورومیا اقوام دوزبانه وجود دارند؛ اصل و تبار می‌تواند مهمتر از اشتراکات زبانی و فرهنگی (برای مثال امهارها در مقابل سخنوران تیگری زبان)؛ در اکثر این خلقها پیروان دو یا بیش از دو دین وجود دارد.

<sup>۱۷</sup> اینجا باید اضافه شود که این آمارها تخمینی هستند و بخشاً بسیار درنوسانند. بر طبق CIA World Factbook ترکیب جمعیتی این کشور بدین ترتیب می‌باشد: اورومو ۴۰ درصد، امهارا و تیگره ۳۲ درصد، سیدامو ۹ درصد، شانکلا ۶ درصد، سومالی ۶ درصد، آفار ۴ درصد، گوراژه ۲ درصد، بقیه ۱ درصد.

<sup>۱۸</sup> Markakis: Conflict in Prefederal Ethiopia. In Ministry of Federal Affairs/GZT (Hrsg.), First National Conference on federalism, Conflict and Peace Building, Addis Abeba 2004, S. 11; Andreas: Ethnic Federalism. In: Ministry of Federal Affairs/GZT (Hrsg.), 2004, S. 150 - 158

<sup>۱۹</sup> Shoa

<sup>۲۰</sup> مجلس (Meles) رهبر «جبهه آزادیبخش مردم تیگری»، رئیس جمهور دولت موقت آن هنگام و نخست‌وزیر جمهوری فدرال دمکراتیک اتیوپی امروز می‌باشد.

<sup>۲۱</sup> Hashem: Ethiopia; the Challenge of many Nationalities, Federations Magazine, Vol. 1, No. 5, 2001

<sup>۲۲</sup> Lötzer/Eikenberg, Ethnische Heterogenität und sozio-kulturelle Komplexität, Hamburg 1994, [www.inwent.org](http://www.inwent.org)

<sup>۲۳</sup> Hashim: Konflikt Management Structures and Intervention ander the Ethiopian Constitution, in: Federal Ministry of Affairs GTZ, 2004, 231

<sup>۲۴</sup> unity within diversity

<sup>۲۵</sup> در سال ۱۹۸۷ ۱۴ استان قدیمی و از دوران پادشاهی به جایی مانده به ۳۴ حوزه اداری تبدیل شده بود.

<sup>۲۶</sup> Woreda

<sup>۲۷</sup> subregional

<sup>۲۸</sup> Zonen

<sup>۲۹</sup> Kebels

<sup>۳۰</sup> نگاه کنید به Andreas، زیرنویس شماره ۱۳، ص ۱۶۷، همچنین ص ۵۹ به بعد منبع ذیل:

Aalen, Ethnic Federalism in a Dominant Party State: the Ehiopian Experience 1991 – 2000, Bergen 2002

- ۳۱ McGarry, Federal Political System and National Minorities, in: Griffiths (Ed.), Handbook of Federal Countries, Montreal 2002, p. 429.
- ۳۲ سیاست کردن به سود اطرافیان و هواداران و اعضای حزب خودی.
- ۳۳ Pausewang, Äthiopien: Staatskrise, Rechtsstaatlichkeit und die Reform des Sicherheitssektors, in: Debiel (Hrsg.), Der zerbrechliche Frieden. Krisenregionen zwischen Staatsversagen, Gewalt und Entwicklung, Bonn 2002, S. 271
- ۳۴ Assefa, Theory versus Practice in the Implementation of Ethiopian's Federalism, Seminar on Ethnic Federalism: the Challenge for Ethiopia, Addis Abeba 2004, p 29
- ۳۵ نگاه کنید به Aalen، زیرنویس شماره ۱۹ در ص ۸۵
- ۳۶ مصاحبه با گابریل، وزیر امور فدرال، در Federations Magazine، سال ۳، شماره ۳، ۲۰۰۳
- ۳۷ بنگرید به Lecours، Kingdom of Belgium، منتشر شده از سوی Forum of Federations: www.fed.org (ماه مه ۲۰۰۵)
- ۳۸ بنگرید به Mathew، Republic of India، منتشر شده از سوی Forum of Federations: www.fed.org (ماه مه ۲۰۰۵)
- ۳۹ بنگرید به Cameron، Canada، منتشر شده از سوی Forum of Federations: www.fed.org (ماه مه ۲۰۰۵)
- ۴۰ بنگرید به Stauffer/Töpferwien/Thalmann-Torres، The Swiss Confederation، منتشر شده از سوی Forum of Federations: www.fed.org (ماه مه ۲۰۰۵)
- ۴۱ بنگرید به Van der Westhuizen، Republic of South Africa، منتشر شده از سوی Forum of Federations: www.fed.org (ماه مه ۲۰۰۵)
- ۴۲ واتس: تنوع در فدرالیسم. زالتسبورگ: زیرنویس شماره ۷، ص ۵.
- ۴۳ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه تقسیم صلاحیتها در کشورهای فدرال بنگرید به Auclair (منبع زیر نویس شماره ۸ ضمیمه شماره ۱).
- ۴۴ Schweizer, Kantonales Recht, Historisches Lexikon der Schweiz: [www.lexhist.ch](http://www.lexhist.ch)
- ۴۵ نگاه کنید به Andreas، زیر نویس شماره ۱۳، ص ۱۶۹
- ۴۶ De Wall/Roscheck, Vorlesungsskript Staatsrecht 1 (Staatsorganisationsrecht), 2003, s. 39 f.
- ۴۷ Mohammad, Federalism and its Implications for the Language Question in Ethiopia, in: Ministry of Federal Affairs/GTZ, 2004, p. 248.
- ۴۸ نگاه کنید به نظام فدرال در اتریش و به ویژه آلمان؛ هر چند در این دو کشور پارلمان فدرال اختیارات وسیعی دارد، اما ایالتها هم در مرحله تدوین و تصویب قوانین شرکت داده می شوند و هم به ویژه در زمینه تعیین نحوه اجرای این قوانین.
- ۴۹ Dahlby, Taxing Choices, International Conferenz on Federalism, Mont-Tremblant 1999; Wilkins, Fiscal Options in Power Sharing Arrangements; in: [www.forumfed.org](http://www.forumfed.org)
- ۵۰ بانک جهانی، اتیوپی در Public Expenditure Review, Vol. II, 2004, pp. 22: [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)
- ۵۱ Befekadu, The Legal Framework for Fiscal Decentralisation, in: Eshete, Fiscal Decentralisation, Addis Abeba 1994, p. 71.
- ۵۲ Eshete, Issues of Vertical Imbalance in Ethiopia's System of Fiscal Decentralisation, in: Eshete, 1994, p. 167
- ۵۳ Weltbank, Ethiopia: Regionalisation Study, 2000, p. 30, [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org); Van de Loop, Local Democracy and Decentralisation in Ethiopia, Addis Abeba 2002, p. 55; Watts, Comparing Equalization in Federations, Conference on Fiscal Equalization and Economic Development Policy within Federations, Charlottetown 2002
- ۵۴ Worldbank, PER, p. 34.
- ۵۵ Falland، بنگرید به زیرنویس شماره ۳۰ در ص ۱۹۰.
- ۵۶ Watts, Participation of Federated Entities in Federal Policy-Making, International Conference of Federalism, Brüssel 2005, pp. 9
- ۵۷ Hashim، بنگرید به زیرنویس ۱۷، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.
- ۵۸ Assefa, Multiculturalism and Federalism, in: Ministry of Federal Affairs/GTZ (Hrsg.), p. 310; Pätz, Ethiopia's Return to Federalism, Federations Magazine, Vol. 4, Nr. 1 2004
- ۵۹ Watts, Comparing Federal Systems, Montreal 1999, pp. 99
- ۶۰ همان منبع
- ۶۱ Hashim، به زیرنویس شماره ۱۷، صفحات ۲۳۳ به بعد بنگرید.
- ۶۲ Assefa, Theory vs. Practice, p. 36